

متن پیاده سازی شده جلسه شصت و سوم سال چهارم درس خارج فقه القضا 19 بهمن ماه 1400

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ذکر چند نکته:

اول: به طور مطلق ید یا اقرار و یا ... حجت باشد را قبول نکردیم. شاید کسی بگوید آن چه شما قائل شدید مخالف نص رسیده از نبی مکرم است: انما افضی بینکم بالبینات و الایمان، به علاوه این که سیستم قضایی اسلام امارات و ادله است و نیاز به قطع قاضی نیست و قاضی طبق ظاهر حکم می‌کند مضافاً این که در سیستم قضایی آزاد بدون نظم و ضابطه است. جواب استاد محترم نسبت به آن قلت: این کلمات در حد توهّم است؛ آیا روایت نبوی در مقام بیان ردّ علم قاضی است؟! و قاضی بر خلاف علم خود عمل می‌نماید! یا اگر برای قاضی اسباب علم محسوس و در دسترس باشد دنبال نمی‌کند! در ادامه روایت هست که اگر کسی الحن باشد به حسب ظاهر حکم به نفع او می‌شود گرچه که حق استفاده ندارد و قطعه‌ای از آتش را در بر دارد بنابراین نبی مکرم بحث ظاهر و واقع در قضاوت را مطرح می‌کنند نه انحصار در چگونگی قضاوت قاضی را، بنابراین روایت در مقام بیان انسداد علم متعارف قاضی (طول ید و سکوت شاکی و پرونده شخصیت و ذکاوت قاضی و...) نیست.

تذکر استاد محترم به سیستم قضایی کشور: طرح کلاس فراست و ذکاوت برای قضات و از کتاب محاکم شرع مرحوم ابوالحسنی منذر و امثال آن استفاده شود.

فراموش نشود که امام صادق علیه السلام به نحوه قضاوت ابوحنیفه فرمودند: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي وَلَادٍ قَالَ: أَكْتَرَيْتُ بَعْلًا إِلَى قَصْرِ ابْنِ هُبَيْرَةَ ذَاهِبًا وَ جَائِيًا... فَأَخْبَرْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَا أَفْتَى أَبُو حَنِيفَةَ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي مِثْلِ هَذَا الْقَضَاءِ وَ شِبْهِهِ تَحْبِسُ السَّمَاءُ مَاءَهَا وَ تَمْنَعُ الْأَرْضُ بَرَكَاتَهَا... .

با این که ابوحنیفه طبق یک روایت برداشت نموده بود و ظاهراً طبق عقلش حساب کرده بود، البته توجیه عمل او را نمی‌کنیم. اما نسبت به سیستم امارات قانونی که مورد قبول رای کلاس واقع نشد بلکه ترکیبی از ادله آزاد (معنوی) و امارات قانونی تحقیق کلاس شد. حال اگر بگوییم ید طولانی مدت و پرونده شخصیت، نظم و انضباط قضایی را از بین می‌برد ولی مطلق ید و اقرار و غیره قضاوت را با انضباط و مثاب می‌کند؟!

مضافاً این که از اهداف قضاوت فصل خصومت در اولین فرصت ممکن است؛ اما از طرف دیگر این قضاوت باید بما انزل الله و حق و عدل باشد لذا در اول بحث قضا تعریف قضاوت به فصل خصومت را جامع ندانستیم.

دوم: اطلاق گرای را ذیل مساله تعارض ید و اقرار بیان نمودیم؛ شاید کسی سوال کند این عدم اطلاق گرای را به موارد دیگر سرایت می‌دهید؛ بله، اگر دلیل تعبدی باشد روی چشم می‌گذاریم ولی در ما نحن و فیه تعبد نیست بلکه عقلایی است و شارع همین را امضا نموده است.

سوم: آخرین بحث ما رتبه بندی امارات بود که این بحث طبق پذیرش سیستم امارات قانونی معنا دارد؛ نه ترکیب از آزاد و امارات قانونی ولی اگر ادله آزاد - اقناع قاضی - فقط ملاک قضاوت در اسلام می‌بود دیگر رتبه بندی امارات معنا نمی‌داشت.